

پرونده ویژه عج

حجت الاسلام و المسلمین محمود ملکی راد

غیبت و زندگی پنهانی حضرت

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در چه

قالب‌هایی محتمل است؟

اعتقاد به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از همان صدر اسلام مورد توجه بوده و از سوی رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه اهل البیت (ع) همواره مورد تأکید قرار گرفته و شاهدش روایات بسیاری هستند که از رسول اکرم (ص) در این زمینه وارد شده‌اند. این دسته از روایات از نظر کثرت و فراوانی در حدی هستند که می‌توان گفت در حد توانند، به طوری که همه مسلمانان، اعم از شیعه و اهل سنت، به اصل و اساس این اندیشه اعتقاد داشته‌اند؛ گرچه در کیفیت با همدیگر اختلافاتی دارند. در ارتباط با چگونگی غیبت امام مهدی (ع) و تبیین روشی که خداوند برای آن حضرت در پنهان زیستی قرار داده، دو دیدگاه قابل طرح است (تاریخ الغیبة الکبری/ ۳۱):

۱. گروهی بر این باورند که غیبت امام (عج) به صورت ناپیدایی بوده و جسم آن حضرت از دیده‌ها پنهان است، در حالی که او مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌بینند و در عین حال که گاهی در یک مکان وجود دارد، ولی

آن مکان از او خالی دیده می‌شود معتقدان به این رویکرد، برای تأیید نظریه خویش، تلاش دارند از احادیث و روایات نیز بهره گیرند و به آن‌ها استشهاد کنند. چنانچه **ریان بن صلت از امام رضا (ع)** نقل می‌کند که از آن حضرت درباره امام قائم (عج) سؤال شد. امام در جواب فرمود: جسمش دیده نمی‌شود و به اسم خویش نامیده نمی‌شود «لایری جسمه و لایسمی اسمه» اصول کافی/ ۱/ ۳۳۳ و کمال الدین/ ۲/ ۳۷۰ و ۶۴۸. همچنین، از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود: امام جسمش از شما پنهان می‌شود (کمال الدین/ ۲/ ۳۳۳). با این‌گونه غیبت، امام در پناهگاهی امن به سر می‌برد و از ظلم ستمگران در امان خواهد بود. این شیوه از غیبت تنها از راه اعجاز الهی

ممکن و میسور خواهد بود. یعنی در حقیقت پیروان این نظریه باید ملتزم شوند که امام به نحو اعجاز از دیده‌ها پنهان و ناپیداست. اشکال این دیدگاه آن است که قبول اعجاز در صورتی است که امری از راه‌های دیگر قابل اثبات نباشد و راه منحصر در انجام اعجاز باشد. یعنی اگر تنها راه حفظ امام (ع) اختفای جسم وی از دیده مردم باشد، در این صورت خداوند متعال این معجزه را به منظور تحقق هدف مهم‌تر انجام خواهد داد، در حالی که در تبیین دیدگاه دوم گفته می‌شود که راه حفظ امام (ع) منحصر در اختفای جسم او از دید مردم است و راه دیگری نیز برای حفظ امام (ع) وجود دارد. بنابراین روایاتی که اختفای جسم آن حضرت را مطرح کرده‌اند، باید تفسیر و توجیه شوند.

۲. گروهی دیگر معتقدند، غیبت امام مهدی (عج) به صورت «ناشناسی» است نه «ناپیدایی» جسم. یعنی مردم او را می‌بینند، ولی وی را نمی‌شناسند. زیرا آن حضرت از همان ابتدای ولادت از دیده‌ها مخفی نگه داشته شده است. فقط تعداد اندکی از یاران خاص آن حضرت را دیده بودند و به آنان نیز تأکید شده بود که این امر را پنهان نگه دارند. طبعاً هر چه بر زمان غیبت صغری بیشتر می‌گذشت، افرادی که آن حضرت را در طفولیت دیده بودند، از دنیا رحلت می‌کردند تا اینکه به تدریج نسل آن‌ها منقرض گردید و فردی از آنان باقی نماند تا امام را بشناسد و به دیگران معرفی کند و نسل‌های جدید نیز از طریق ارتباط به وسیله نواب خاص هرگز چهره امام را ندیدند و در نتیجه مردم به کلی از شکل و شمایل آن حضرت بی‌خبر بودند، به طوری که اگر با آن حضرت روبه‌رو می‌شدند، ایشان را نمی‌شناختند و اگر هم کسی با وی مواجه شود، او را فردی همانند سایر مردم می‌پندارد و بدین ترتیب امام (عج) در هر جایی که دلخواه اوست، می‌تواند زندگی کند بدون اینکه کسی به شخصیت حقیقی ایشان توجهی داشته باشد. بنابراین، غیبت آن حضرت به شکل «ناشناسی» است نه «ناپیدایی». معتقدان به این دیدگاه بر تأیید نظریه خویش به دلایلی چند تمسک جستند:

الف) روایات: شیخ طوسی در کتاب الغیبة از نایب دوم (محمدبن عثمان عمری) نقل کرده است که گفت: «به خدا قسم صاحب این امر هر سال در موسم حج حضور دارد. مردم را می‌بیند و می‌شناسد، ولی مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسند» (والله ان صاحب هذا الامر يحضر

الموسم كل سنة فيرى الناس و يعرفهم و يرونه و لا يعرفونه» بحارالانوار/۱۵۲/۵۲/ باب ۲۳ و وسائل الشیعه/۱۱/۱۳۵).

همچنین، روایاتی که بر عدم جواز تسمیة آن حضرت دلالت دارند نیز بر این امر دلیل و شاهدند، زیرا اگر منظور از غیبت ناپیدایی باشد، در این صورت از نام بردن اسم آن حضرت، خطری وجود ایشان را تهدید نخواهد کرد، برخلاف اینکه اگر منظور از غیبت ناشناسی باشد که در این صورت بردن اسم آن حضرت موجب افزایش خطر می‌گردد، زیرا اگر اسم برده شود و عنوان و خصوصیات حضرت شناخته شود، دیگر امنیتی نخواهد بود و احتمال ضرر و اذیت زیاد خواهد شد.

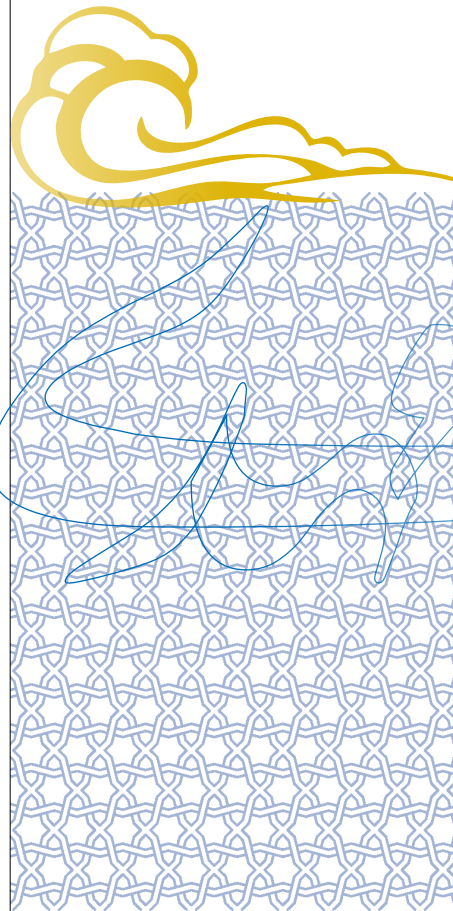
ب) شواهد تاریخی: ابوسهل نوبختی در ارتباط با عدم انتخاب خود به‌عنوان نایب خاص و انتقال نیابت به حسین بن روح می‌گوید: من شخصی هستم که با مخالفان برخورد دارم و با آن‌ها مناظره و گفت‌وگو می‌کنم و اگر جای آن حضرت را همچون حسین بن روح بدانم و در تنگنا قرار گیرم، امکان فاش کردن راز و نشان دادن آن حضرت در من بیشتر است، اما حسین بن روح چنین نیست و اگر او امام را در زیر لباس خویش پنهان کرده باشد و خود با قیچی تکه‌تکه شود، دامان از روی امام برنخواهد داشت (الغیبة/۳۹۱). این سخن بیانگر آن است که غیبت امام به‌صورت ناشناسی است نه ناپیدایی.

ج) پذیرش این دیدگاه مستلزم پذیرش اعجاز در غیبت آن حضرت نمی‌شود، زیرا با امکان ناشناس ماندن امام، دیگر نیازی به ناپیدایی نیست تا گفته شود ناپیدایی ایشان از راه اعجاز صورت می‌گیرد، زیرا اعجاز در جایی است که برای اثبات حقانیت مطلبی، تنها راه اعجاز باشد، اما در این مورد حفظ وجود امام از راه دیگری، غیر از ناپیدایی، ممکن است. پس نیازی به حفظ وی از راه اعجاز نیست. به عبارت دیگر، تمسک به اعجاز برخلاف اصل است و آن در صورتی است که راه اثبات امری منحصر در اعجاز باشد، در حالی که راه حفظ وجود امام (ع) منحصر در اعجاز (ناپیدایی) نیست بلکه از راه ناشناس نیز ممکن و میسور است.

به نظر نگارنده، این دو قول (ناپیدایی جسم) و (ناشناس بودن امام) که برگرفته از روایات هستند، هر دو ناظر به یک مطلب‌اند و آن حفظ جان امام از خطرات است و با همدیگر قابل جمع‌اند، زیرا آن دسته از روایات که بر ناپیدایی جسم امام (ع) دلالت دارند، بدین معنی نیست

غیبت امام مهدی (عج) به صورت «ناشناسی» است نه «ناپیدایی» جسم. یعنی مردم او را می‌بینند، ولی وی را نمی‌شناسند

حفظ امام ممکن است شیوه‌های مختلفی را به کار برد. گاه به نحو پنهان کردن جسم امام از دید دشمنان و گاه به نحو تصرف در درک مردم



منبع
مرکز مطالعات و
پاسخ‌گویی به شبهات
حوزه علمیه قم

که آن حضرت در زمان غیبت از قوای جسمانی برخوردار نباشد و دارای جسم مثالی و برزخی باشد، بلکه غیبت آن حضرت با همین بدن مادی و جسمانی است. بنابراین، این دسته از روایات را که دلالت بر عدم امکان رؤیت امام دارند، باید حمل نمود بر یک حالت استثنایی و عملی خارق‌العاده، زیرا بر طبق مصالحی که در غیبت امام (ع) وجود دارد، خداوند بین امام و مردم حجاب قرار می‌دهد تا مردم نتوانند ایشان را مشاهده کنند. این شیوه برای حفظ اولیای الهی از طرف خداوند یک سنت محسوب می‌شود؛ چنانچه خداوند برای حفظ جان پیامبرش از آسیب دشمنان، او را از چشم آنان مستور می‌دارد. شاهدش آیه ۹ سوره یس است: «وَجَعَلْنَا مَن بَيْنَ أَيْدِيهِمْ سَدًا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهَمَّ لَا يُبْصِرُونَ». براساس این آیه، خداوند بین پیامبر (ع) و دشمنان حجابی قرار داد که آنان توان دیدن آن حضرت را نداشتند. در بعضی از روایات نقل شده است که رسول خدا (ص) وقتی دیدند کفار و مشرکان نسبت به وی قصد سوئی دارند، این آیه را خواندند و از نظر آن‌ها ناپدید شدند. دشمن او را ندید و خداوند کید و شر را از وی دفع کرد (ترجمه تفسیرالمیزان/۹۹/۱۷)، به نقل از الدر المنثور/۲۵۸/۵). در آیه دیگر، خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَإِذَا قُرَأَ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا». چون قرآن را می‌خوانی، ما میان تو و میان کسانی که به روز قیامت ایمان ندارند، حجابی ساتر قرار می‌دهیم (اسراء/۴۵).

جمعی از مفسران مانند **طبرسی** در مجمع‌البیان (تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه ۴۵ سوره اسراء) و **فخر رازی** در تفسیر کبیر (تفسیر الکبیر/۲۲۳/۱۰) در شأن نزول این آیه گفته‌اند، آیه درباره گروهی از مشرکان نازل شده که پیامبر (ص) را به هنگامی که در شب قرآن تلاوت می‌کرد و در کنار خانه کعبه نماز می‌گزارد، آزار می‌دادند و او را با سنگ می‌زدند و یکی از افرادی که در صدد برآمد تا پیامبر (ص) را مورد آزار و اذیت قرار دهد همسر ابولهب بود. پیامبر (ص) فرمود: خداوند دیده او را از من گرفت و من را از او پنهان کرد («لقد اخذ الله ببصرها عنی...» سیره ابن‌هاشم/۲۳۸/۱).

از این موارد برمی‌آید که یکی از سنت‌های الهی برای حفظ جان رسول خدا (ص) از آسیب دشمنان، مخفی کردن آن حضرت از دید دشمنان بوده است. یعنی در عین حالی که پیامبر (ص) در میان مردم حضور جسمانی داشت، اما در عین

حال با اعجاز الهی، دشمنان قادر به دیدن آن حضرت نبودند. این سنت در مورد حضرت مهدی (عج) بر طبق روایاتی که می‌گویند «لایری جسمه» نیز جاری بوده و اعمال می‌گردد. یعنی در هر نقطه‌ای که با دیدن آن حضرت برای او احتمال خطر وجود داشته باشد، در این صورت خداوند او را از شر دشمنان حفظ می‌کند. این دسته، از روایات در واقع بیانگر شیوه خاصی از حفظ امام است که به شیوه عدم رؤیت جسم امام صورت می‌گیرد.

روایات دسته دیگر (ناشناسی) نیز بیانگر شیوه‌ای دیگر از حفظ امام از آسیب دشمنان هستند.

بنابراین می‌توان گفت، خداوند برای حفظ امام ممکن است شیوه‌های مختلفی را به کار برد. گاه به نحو پنهان کردن جسم امام از دید دشمنان و گاه به نحو تصرف در درک مردم. با اینکه آن حضرت را می‌بینند و او را مشاهده می‌کنند، اما او را نمی‌شناسند. پس اصل بر حفظ امام است؛ منتها شیوه و نحوه حفظ بسته به شرایط فرق می‌کند. یک دسته از روایات بیانگر توصیف یک شیوه‌اند و دسته دیگر بیانگر توصیف شیوه دیگر. یعنی خداوند امداد خویش را شامل حال امام (عج) کرده و برای حفظ او گاه در چشم مردم و حس بینایی آن‌ها تصرف می‌کند که از این حالت در روایات به «لایری جسمه» تعبیر شده است. گاه نیز در ادراک آن‌ها تصرف می‌کند که از این حالت در روایات به «پرونه و لایعرفونه» تعبیر شده است. بنابراین، باید گفت هر دو دسته از روایات به یک مطلب اشاره دارند و آن حفظ امام از آسیب دشمن است. منتها کیفیت حفظ امام دوگونه معرفی شده است. در نتیجه غیبت و پنهان زبستی امام (ع) با این دو راهی که در روایات به آن‌ها تصریح شده است، محقق می‌شود.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
حجة الاسلام و المسلمین ملکی راد

برای مطالعه بیشتر

۱. التمهید فی علوم القرآن. آیه‌الله محمد هادی معرفت، مؤسسه فرهنگی تمهید. چاپ اول. قم. ۱۳۸۶. ج ۵ و ۶.
۲. الجدول فی اعراب القرآن. صافی، محمودین عبدالرحیم. دارالرشید. مؤسسه‌الایمان. بیروت. دمشق. چاپ چهارم. ۱۴۱۸. ق. ج ۱. ص ۷۷. ۷۸.
۳. تفسیر تسنیم، آیه‌الله العظمای جوادی آملی. مرکز نشر اسراء. چاپ سوم. قم. ۱۳۸۱. ج ۲.
۴. المیزان فی تفسیر القرآن. علامه طباطبایی. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم. قم ۱۴۱۷. ق. ج ۱، ص ۵۹.